

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: رویکون
فرستنده: عثمان حیدری
۰۹ جون ۲۰۲۲

قاره انتحاری- اروپا بازنده است



اقتصاددان امریکائی مایکل هادسون در مصاحبه با پتر اسکات در مورد نظم جهانی آینده تاکید می‌کند که در این روند اروپا بازنده است.

آری در واقع این یک "نقطه عطف است که با شور و شوق جدیدی برای جنگ همراه است. المان که در دو جنگ جهانی همواره در "طرف باطل تاریخ" عمل کرده، این بار می‌خواهد در جبهه "حق" قرار داشته باشد. این آن داروی مخدری است که ما را از خود بی‌خود می‌کند تا در نیابیم که باز طرفدار جنگ باطلیم: سازوکار پنهانی ایالات متحده آمریکا برای نابودی روسیه و در نهایت چه کسی متحمل خسارت‌ها خواهد شد؟ خیر، نه روس‌ها! مایکل هادسون در مصاحبه با پیترا اسکات اطمینان خاطر می‌دهد. روسیه همه نوع سوخت فسیلی، منابع معدنی و محصولات کشاورزی در اختیار دارد و وابسته به واردات نیست، اما باید نگران اروپا بود که ظاهراً تمام عقل و اراده خود را برای بقا به کنار نهاده است...

س: امروز مایکل هادسون، کارشناس امور اقتصادی و نویسنده کتاب "ابر امپریالیسم" و کتاب اخیرش "سرنوشت تمدن" میهمان ماست. خوش آمدی مایکل!
پ: خوشحالم که دوباره اینجا هستم

س: فرض کنیم که تمام این برنامه‌های اروپائی مانند RepowerEU ۱ به اجراء درآید، به نظر تو چه تأثیری بر موقعیت اتحادیه اروپا در صحنه جهانی خواهد داشت؟

پ: خوب، اتحادیه اروپا تحت فشار اقتصادی قرار خواهد گرفت. اروپا تلاش کرده که یک نیروگاه اقتصادی جهانی باشد ولی در ماه‌های اخیر یورو به طور پیوسته ارزش خود را در برابر دلار امریکا از دست داده و به زودی یک به یک خواهد شد و این به این دلیل است که اروپا مجبور است برای انرژی، غذا و تسلیحات ارز زیادی بپردازد. در مقایسه با سایر اقتصادها اتحادیه اروپا در حال آب رفتن است.

س: به نظر تو اتحادیه اروپا در مقابل قدرت‌های بزرگی مثلاً چین از چه موقعیتی برخوردار خواهد بود؟

پ: اتحادیه اروپا ظاهراً شریک بازی نخواهد بود. اتحادیه اروپا به جای اولویت دادن به منافع خود، در واقع منافع ایالات متحده امریکا را در اولویت قرار داده است و به جای این‌که بخواهد بر سرنوشت خود مسلط شود، بیشتر مانند یکی از اقمار امریکائی عمل می‌کند. ۲۰ سال پیش هنوز اروپا قصد داشت با سرمایه‌گذاری در روسیه و چین و تجارت با آنها ثروتمند شود و اکنون تصمیم گرفته این ایده را رها کند.

ایالات متحده امریکا اروپا را بلعیده است. جنگ اوکراین در درجه اول جنگ ایالات متحده است که هدف آن قراردادن کامل اروپا در حوزه نفوذ خود و جلوگیری از تجارت با روسیه و چین است. از این طریق اروپا کنار گذاشته می‌شود، در حالی که روسیه و چین و بقیه اوراسیا به هم نزدیک می‌شوند. اروپا عقب خواهد ماند. اروپا بازارهای صادراتی خود را از دست می‌دهد و زیر فشار اقتصادی قرار دارد و همانطور که اشاره کردید سن بازنشستگی را ارتقاء داده زیرا وجه خود را به جای سرمایه‌گذاری در صنعت (که از سال ۱۹۴۵ مرسوم بود) صرف ارتقای ارتش امریکا می‌کند.

س: نوشتید که اروپا دیگر مستقل نیست. گفتید که امریکا قصد دارد روابط تجاری اتحادیه اروپا را با روسیه و چین قطع کند. دقیقاً چگونه به این نظر رسیده‌اید و آیا فکر می‌کنید این طرح امریکائی موفق خواهد شد؟

پ: من فقط سخنرانی‌های رئیس جمهور بایدن و تیمش را خواندم. آنها گفتند چین دشمن شماره یک امریکا است. اگر کشوری را دشمن وجودی اعلام کردید، تجارت و وابستگی متقابل با آن را تشویق نخواهید کرد و ایالات متحده اصرار دارد که متحدانش صادرات روسیه، یعنی نه فقط نفت و محصولات کشاورزی، بلکه تیتانیوم، هلیوم و کلیه صادرات دیگر این کشور را تحریم کنند.

تا به امروز، اروپا از دستورات ایالات متحده امریکا برای اجتناب از هرگونه تماس با روسیه پیروی می‌کند و بدون تماس با روسیه هیچ تماسی با چین هم وجود نخواهد داشت، زیرا چین می‌داند که اروپا دقیقاً همان کاری را که با روسیه کرد با او انجام خواهد داد.

س: روشن است که درست به همین دلیل سال‌هاست که روسیه و چین از نظر دیپلماتیک و اقتصادی به یکدیگر نزدیک شده‌اند. روند تغییر قدرت در سطح جهان را طی ۵ تا ۱۰ سال آینده چگونه می‌بینید؟

پ: جنگ کنونی جهان را به دو بلوک تقسیم خواهد کرد. یک بلوک دالری با امریکا، اروپا و چند قمر پیرامون آنها و یک بلوک چند قطبی با روسیه و چین که اساساً پیشنهاداتی در مورد روشی متفاوت برای سازماندهی اقتصاد جهانی

به آفریقا، امریکای لاتین و برخی از کشورهای آسیایی ارائه خواهند داد و این کشورها متوجه خواهند شد که می‌توانند نسبت به ایالات متحده آمریکا با روسیه و چین روابط تجارتي بهتری داشته باشند.

س: از طرف دیگر می‌توان استدلال کرد که این جنگ نظم جهانی موجود را تقویت می‌کند. ناتو و اروپا متحد تر از همیشه است و فنلاند و سویدن نیز می‌خواهند به عضویت ناتو درآیند. نظر شما چیست؟

پ: این ادغام اروپا در حوزه ایالات متحده مانند یک دیوار جدید برلین است که ایالات متحده را از بقیه جهان جدا می‌سازد. در نتیجه ایالات متحده به جای کسب پیروزی خود را منزوی می‌کند و ستراتیژیست‌های امریکایی دریافته‌اند که در حال شکست جنگ اقتصادی با چین و روسیه و کل گروه اقتصادهای نوظهور هستند. تنها کاری که ایالات متحده می‌تواند بکند این است که اروپا را به عنوان تنها منبع درآمد خود حفظ کنند و آنچه را که از هیچ کشور دیگری نمی‌توانند به دست آورند از اروپا بیرون بکشند.

س: فارغ از این که این یک جنگ واقعی در میدان نبرد است، این‌طور به نظر می‌رسد که یک جنگ اقتصادی نیز هست. شما متوجه شدید که خط لوله گاز روسیه به آلمان (نورد استریم ۲) یکی از اولین قربانیان این بحران بود. اکنون ما تا چه حد شاهد درگیری بین‌المللی بر سر منابع انرژی هستیم؟ ظاهراً اروپا نمی‌تواند از انرژی روسیه صرف‌نظر کند. ایالات متحده کوشش می‌کند تا این خلأ را با گاز مایع خود پر کند. علاوه بر آن اکنون روسیه به هندوستان و چین نفت می‌فروشد.

پ: مسأله مهم در مورد فروش نفت روسیه به هند این است که هزینه آن به روبل پرداخت می‌گردد و دیگر نیازی به دالر نیست. کل تجارت نفتی اکنون دالرزدائی شده است و به روبل، یوان چین و یا سایر ارزها پرداخت می‌شود و دالر کنار گذاشته شده است. کل ایده دیپلماسی دالر، مفت‌سواری دالر و امپریالیسم ارزی دیگر به پایان رسیده است. همه فکر می‌کردند که این روند جدائی روسیه و چین از دالر ده سال دیگر به طول خواهد انجامید ولی امریکا با تصاحب ذخایر ارزی افغانستان، ونزوئلا و اکنون روسیه خود را از بقیه جهان جدا کرده است.

دیگر کسی اعتماد نخواهد داشت که معاملات نفتی، تجارت و سرمایه‌گذاری با دالر انجام شود زیرا ایالات متحده می‌تواند براحتی پول کشورهای را که حاضر نیستند مازاد تجاری خود را به تجار و سرمایه‌گذاران امریکایی واگذار کنند، مصادره نماید. با این کار ایالات متحده خود را منزوی ساخته و در واقع خود را هدف قرار داده است.

س: درضمن در مورد ارزها: روسیه در حال حاضر با شدیدترین تحریم‌ها روبه رو است ولی با این حال روبل بهبود یافته و بسیار بالاتر از سطح قبل از جنگ است. فکر می‌کنید تحریم‌های غرب علیه روسیه تا چه حد بر شوراهانی که این تحریم‌ها را اعمال کرده‌اند، تأثیر منفی داشته است؟

پ: این تحریم‌ها برای روسیه مطمئناً مثبت عمل کرد. اولین تحریم‌ها بر محصولات کشاورزی مانند پنیر روی لیتوانی تأثیر گذاشت. اکنون روسیه پنیر خود را خود تولید می‌کند. تحریم‌ها علیه یک کشور، آن را مجبور می‌کند تولید خود را افزایش دهد. رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین قبلاً اعلام کرده بود که از این‌پس در جایگزینی واردات سرمایه‌گذاری خواهد شد. وقتی که او دیگر از امریکا وارد نکند، کارخانجاتی در روسیه ایجاد خواهد کرد تا در کشور خود تولید کند. روسیه دلیلی ندارد که دست به این کار نزند و خود را یک قدرت صنعتی نسازد. این کشور نیازی به غرب ندارد اما غرب کماکان محتاج روسیه خواهد بود.

س: اشاره کردید که اروپا در تلاش است بدون نفت روسیه ادامه حیات دهد و در عوض گاز مایع از ایالات متحده دریافت نماید. ولی هنوز بندری برای واردات این گاز ندارد. این کار سال‌ها به طول خواهد انجامید. آلمان و اروپا در چند سال آینده چه خواهند کرد؟ آیا می‌گذارند لوله‌های آبخان یخ بزند و بترکد و خانه‌ها زیر آب برود؟ آیا کارخانه‌ها تولید خود را متوقف خواهند ساخت؟

پ: هم‌اکنون کارخانه‌های تولید کود کیمیائی تعطیل شده‌اند زیرا نمی‌توانند گاز طبیعی دریافت کنند و سال‌ها به طول خواهد انجامید تا بتوانند گاز دریافت کنند. ولی آلمان‌ها چگونه می‌خواهند بدون کود محصولات کشاورزی خود را تأمین کنند؟ البته این کار مقدور نیست و در نتیجه اروپا با کسری مواد غذائی مواجه خواهد شد و این نیز خود باعث افزایش کسری انرژی می‌شود.

من نمی‌دانم چه مدت سیستم سیاسی اروپا با رهبرانی که معرف امریکا هستند و نه مبین منافع ملی اروپا دوام خواهد یافت.

س: تورم و قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان در ایالات متحده در حال افزایش است و جو بایدن مدعی است که روسیه مقصر است. آیا فکر می‌کنید که مالیات‌دهندگان امریکائی این داستان را باور خواهند کرد؟

پ: در اینجا رسانه‌ها یک‌جانبه تبلیغ می‌کنند و فکر می‌کنم که تعداد زیادی از مردم آن را باور می‌کنند، زیرا در جبهه روابط عمومی روسیه ناتوان است. مثلاً واقعیت این است که اوکراین نمی‌تواند غلات خود را صادر کند، زیرا خود بخیره سیاه را مین‌گذاری کرده است. ۲ وقتی مین‌ها کشتی‌ها بحیره سیاه را به خطر می‌افکند، شرکت‌های بیمه از بیمه‌کردن حامل‌های غلات سرباز می‌زنند.

تقصیر به گردن روسیه می‌افتد ولی روسیه ابحار را مین‌گذاری نکرده بلکه مقصر اوکراین بوده است. اما نفرت از روس‌ها به قدری زیاد است که امریکائی‌ها همه چیز را باور می‌کنند و روس‌ها را در همه زمینه‌ها مقصر می‌شمارند.

چنین چیزی نیز در جنگ جهانی اول اتفاق افتاد. من در فارست هیلز، شهر نیویورک زندگی می‌کنم. در اینجا خانواده‌های آلمانی مجبور شدند نام آلمانی خود را تغییر دهند تا امریکائی‌ها باور کنند که آنها سویدنی و یا چیز دیگر هستند. خانواده‌هایی چون خانواده دونالد ترمپ باید وانمود می‌کردند که سویدنی هستند و آلمانی نیستند. بعد از آن ما در جنگ دوم جهانی بازداشته‌های اجباری برای جاپانی‌ها داشتیم. ۳

جامعه امریکائی، جامعه نفرت است و امپراتوری ایالات متحده امریکا واقعاً امپراتوری نفرت و دشمنی است.

نگرش آنها به جهان، "معلیه دیگران" است و این "دیگران" فعلاً روس‌ها را در نظر دارد.

س: مصادره دارائی‌های روسیه (صدها میلیارد دلار) در غرب قطعاً یک سابقه بحث‌برانگیز ایجاد می‌کند. مسکو این اقدام را "سرقت" می‌نامد. تأثیر این اقدام بر اقتصاد امریکا و دالر به عنوان ارز ذخیره جهانی چیست؟

پ: این اقدام هیچ تأثیری بر اقتصاد ایالات متحده امریکا ندارد. اگر روسیه از این سرقت ۳۰۰ میلیارد دلار ضرر کند، برایش یک پیروزی بزرگ است زیرا با این اقدام امریکا فاش کرده که پس‌انداز هیچ کشوری در ایالات متحده امن نیست زیرا برای هر کشوری که تجارت خود را با دالر امریکا انجام می‌دهد و برای هر کشوری که در ایالات متحده سرمایه‌گذاری می‌کند، این امر صادق است که اگر دولت شما از دستورات ایالات متحده پیروی نکند، ما براحتی پول شما را مصادره خواهیم کرد، همان‌طور که در مورد روسیه، افغانستان و ونزوئلا کردیم.

امریکا با اقدام خود علیه روسیه، اعتماد خارجیان به اقتصاد و امنیت دولت امریکا را از بین برد. در ۷۵ سال گذشته دالر امریکا و اوراق خزانه‌داری این کشور امن‌ترین نحوه سرمایه‌گذاری در جهان بود، که اکنون به پرخطرترین آنها تبدیل شده است. از این طریق اقتصاد امریکا خود را از اقتصادهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین جدا کرد. امریکا خود را جدا کرد ولی خودکفا نیست. برای تأمین کالاهای تولیدی این کشور به ویژه به چین و کشورهای آسیایی وابسته است و برای هلیوم، تیتانیوم، ایریدیو، پالادیوم...، همه این مواد خام که بزودی تمام می‌شود به روسیه وابسته است. در نتیجه امریکا دست به خودکشی تجاری و اقتصادی زده است. اگرچه روسیه ۳۰۰ میلیارد دالر ضرر کرد، اما با سلب مالکیت بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در خاک روسیه آن را جبران خواهد کرد و موقعیتش به عنوان یک قدرت اقتصادی معتبر در مقایسه با ایالات متحده بهبود یافته است.

س: روسیه، چین و هندوستان از جمله کشورهایی هستند که خواستار یک نظم جهانی چندقطبی جدید بدون اتکای شدید به امریکا و همپیمانانش هستند. آیا به نظر شما این سناریو واقع‌بینانه است؟

پ: بحران در تابستان سال جاری فراخواهد رسید. هم‌اکنون قیمت نفت و مواد غذایی افزایش یافته و هزینه حمل و نقل بحری افزایش یافته است. امریکای لاتین، افریقا و بسیاری از کشورهای آسیایی با کسری تراز پرداخت‌های عظیم روبه رو خواهند شد. این کسری‌های تجاری در نفت، غذا و کشتیرانی با بدهی‌های دالری هنگفت خارجی به دارندگان اوراق قرضه و بانک‌های خارجی همراه خواهد بود که نهایتاً به گسست خواهد انجامید.

به اینجا که برسد، روسیه، چین و متحدان آنها می‌توانند بگویند: "ما می‌توانیم نهادهای موازی در جهان ایجاد کنیم. ما می‌توانیم صندوق بین‌المللی پول خود را به راه اندازیم و به شما وام و اعتبار دهیم، ما می‌توانیم بانک جهانی خود را ایجاد کنیم تا تحولات واقعی و مثبت را تقویت کنیم و وابسته به صادرکنندگان امریکائی نباشیم".

سیاست‌های امریکا کشورها را به حوزه نفوذ اوراسیا یعنی چین و روسیه سوق داده است، ایران به آنها خواهد پیوست و هند و اندونزی نیز به آنها خواهند پیوست. همه این کشورها اکنون به چیزی دست خواهند یافت که قبلاً در اختیار نداشتند: آنها دارای جرم بحرانی خود هستند، می‌توانند با یکدیگر تجارت کنند و به اتفاق خود کفا باشند و دیگر نیازی به دالر نداشته باشند.

این فرق اساسی بین حال و دهه ۱۹۷۰ است که کشورهای جهان سوم به همراه کشورهای غیرمتعهد تلاش کردند ولی نتوانستند نظم اقتصادی بین‌المللی نوینی را ایجاد کنند، زیرا آزادی عمل لازم در اقتصاد خود را نداشتند. اما آنها اکنون بدون ایالات متحده امریکا دارای آزادی عمل کافی هستند. آنها شاهد خروج بقیه جهان از حوزه دالر خواهند بود و تنها اروپا را به عنوان بخشی از اقتصاد ایالات متحده باقی خواهند گذارد که باید هزینه سنگینی برای حفظ استانداردهای زندگی خود بپردازد.

س: به نظر شما کدام کشورها از آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی کنونی بیشتر سود می‌برند؟

پ: سود بردن شاید درست نباشد ولی انتظار دارم که روسیه و چین برندگان بزرگ باشند. روسیه هم اکنون یکی از برندگان است زیرا تحریم‌های ایالات متحده روسیه را مجبور کرده تا کاری را که نیم قرن پیش می‌توانست انجام دهد، اکنون انجام دهد یعنی صنعت کالاهای مصرفی خود را ایجاد کند و رونق اقتصادی خود را دامن زند.

اکنون روسیه می‌تواند کارخانه‌ها، تجهیزات و مؤسسات خود را بنا کند و از نیروی کار خود برای تولید هرآنچه که قبلاً از اروپا می‌خرید استفاده کند و وابستگی خود به اروپا را از میان بردارد. اروپا بازار روسیه را از دست داد.

نمی‌دانم بدون این بازار اروپا چگونه می‌تواند رشد پیدا کند زیرا ایالات متحده اجازه ورود کالاهای اروپائی به بازارهای خود را نخواهد داد. امریکا حمایت‌گراست. اروپا به گوشه‌ای رانده خواهد شد و در نهایت در حوزه روسیه و چین فروخواهد رفت ولی تا رسیدن به آن مرحله سال‌های پردرد و رنجی در پیش خواهد بود.

س: زیاد از وحدت غرب سخن می‌رود ولی روشن است که هزینه اقتصادی آن سنگین است. آیا فشار آن قدر زیاد خواهد بود که برخی از کشورها به هنگری و یا صربستان بپیوندند و بگویند: "دیگر بس است و ما اتحادیه را ترک خواهیم کرد؟"

پ: وحدت غرب یک خیابان یک طرفه است و به این معنی است که امریکا به کشورها دستور می‌دهد: "کاری را که می‌گوئیم، انجام دهید!" اگر کشورهای دیگر دستورات امریکا را انجام ندهند، دشمن محسوب می‌شوند و به عنوان دشمن با آنها رفتار می‌شود، همان طور که در مورد هنگری اتفاق افتاد. آنها در این فکرند که چگونه باید هنگری را تنبیه کرد. امریکائی‌ها نمی‌فهمند که چگونه به کشورهای دیگر پیشنهاداتی ارائه کنند که آنها را به سوی خود جلب نماید.

آنچه که امریکائی‌ها می‌گویند تقریباً این طور است: "اگر حرف ما را گوش نکنید، می‌توانیم شما را بمباران کنیم. ما پیشنهاد مثبتی برای ارائه نداریم، هیچ گزینه مثبتی پیشنهاد نمی‌کنیم، ما نمی‌توانیم سرمایه‌گذاری‌هایی را در اختیار شما قرار دهیم که درآمد شما را کاهش ندهد. تنها کاری که بلدیم این است که شما را بمباران کنیم، تهدید کنیم، تحریم کنیم یا سعی کنیم به شما آسیب برسانیم".

این تنها راه و رسم ارتباط امریکا با سایر جهان است. رابطه مسموم شده است. این شیوه‌ایست که مطمئناً بقیه جهان را نیز فراری خواهد داد.

س: بیندیشید به دوران پس از این جنگ. به نظر شما رابطه امریکا با روسیه و یا رابطه اتحادیه اروپا با روسیه چگونه خواهد بود؟

پ: ۲۰ سال آنگار این رابطه خصمانه خواهد بود تا این‌که اروپا فروپاشد و ایالات متحده وارد دوران طولانی رکود گردد. نمی‌توان به نزدیکی بین آنها امیدوار بود. هیچ توافقی صورت نخواهد گرفت زیرا صنایع ایالات متحده به غیر از سلاح‌های جنگی نمی‌تواند چیز دیگری تولید کند. تنها چیزی که ایالات متحده می‌تواند به کشورهای دیگر عرضه کند، بمب‌افکن و تسلیحات نظامی است و چیزی برای بالابردن سطح زندگی در بر ندارد. وضعیت در ایالات متحده شاهد خصومت فزاینده نسبت به بقیه جهان خواهد بود. خطر بزرگ این است که روزی بگویند "خوب، امروز دنیا را منفجر خواهیم کرد!" سیاستمداران مسؤول امریکائی اکنون ۲۰ سال است که چنین فکری در سر می‌پرورانند.

من قبلاً با این نوع افراد کار کرده‌ام. آنها اگر نتوانند بقیه دنیا را به مستعمره خود تبدیل کنند، واقعاً حاضرند دنیا را منفجر کنند. این یک خطر جدی و واقعی برای بقیه جهان است و آنها را مجبور می‌کند خود را از حوزه نفوذ ایالات متحده دور کنند. فکر می‌کنم این کیسینجر بود که گفته بود: "شاید دشمن امریکا بودن خطرناک باشد ولی دوست امریکا بودن، مرگبار است".

به هر حال دوست امریکا که واقعاً در خطر است، اروپاست. حال دشمنان امریکا خوب خواهد بود زیرا حداقل با یکدیگر دوست هستند.

*- مایکل هادسون یک اقتصاد دان امریکائی، استاد اقتصاد در دانشگاه میسوری کانزاس سیتی و محقق در مؤسسه اقتصادی لوی در کالج بارد، تحلیلگر سابق وال استریت، مشاور سیاسی، مفسر و روزنامه‌نگار

زیرنویس ها

۱ REPowerEU. طرحی است که در ابتدای ماه مارچ ۲۰۲۲ در مورد چگونگی مستقل شدن اروپا از سوخت فسیلی روسیه، در ابتداء از گاز خیلی زودتر از سال ۲۰۳۰ ارائه شده است. هدف این است که تقاضای اتحادیه اروپا برای گاز روسیه تا دوسوم قبل از پایان سال کاهش یابد.

<https://germany.representation.ec.europa.eu/news/repowereu-eu-kommissio...>

۲ - فقط چند بندر، یعنی جائی که انتظار می‌رفت حملات روسیه در آنجا صورت گیرد

۳ - بیش از ۱۰۰ هزار جاپانی مقیم کالیفرنیا، از جمله ۷۹ هزار نفر با تابعیت امریکائی از سال ۱۹۴۲ تا پایان جنگ در اردوگاه‌ها پشت سیم خاردار زندانی شدند, Daniel A. Sjrnsen, A true History of the United States .

Seite 406

تارنگاشت عدالت

شنبه، ۱۴ خرداد ۱۴۰۱ - جوزا - ۱۴۰۱

منتشر شده در تاریخ: ۳۱ مه ۲۰۲۲